

حاکمیت وحدت در نظام تکوین و تشریح از نگاه قرآن و حدیث

مشهد دانشگاه علوم اسلامی رضوی رضا وطن دوست

چکیده

مقام عظمای ولایت که همواره در اندیشه تحقق وحدت در داخل و در سطح جهان اسلام بوده و هست، سال «1386» را سال «اتحاد ملی و انسجام اسلامی» نامیدند، این بدان سبب بود که دغدغه اتحاد جامعه اسلامی را در جای جای جغرافیای جهان اسلام برانگیزد تا هر کسی به فراخور توان و به میزان نفوذ خود، در تحقق این امر حیاتی گام بردارد و با برداشتن گامهای بلند و مؤثر، در رقم زدن به سرنوشت جمعی و حرکت به سمت سعادت جامعه ایفای نقش نماید و با سرعت بخشیدن به این امر مبارک، در گسترش تعالیم حیات بخش اسلام و تأمین آسایش و امنیت همگانی سهیم باشد. از این رو بر اهل قلم و بیان شایسته است با ارائه راهکارهای کارآمد و آسیب شناسی عالمانه، در ایجاد وحدت و تعمیق آن بکوشند و عموم مردم را به همگرایی و همبستگی دینی فراخوانند و از هر نوع پراکندگی و تعصبات موهوم قوم گرایی برحذر دارند و با اصرار بر تحقق وحدت با محوریت توحید، شعار یاد را شده به مرحله شعور برسانند.

نگارنده که مانند هر شخصی دیگر در آرزوی تحقق این شعار است، با استعانت از خداوند بزرگ و استفاده از قرآن و آموزه های اسلامی بر آن شد تا در پاسخ به ندای هوشمندانه رهبر عزیزمان که سال جاری را سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی نامیدند، و به منظور شرکت در همایش «مبانی تحکیم وحدت از دیدگاه قرآن و عترت» گامی هر چند کوتاه بردارد.

این پروژه که با عنوان «حاکمیت وحدت در نظام تکوین و تشریح از دیدگاه قرآن و حدیث» سامان یافته است گامی در راستای این رسالت است. از این رو می کوشد تا پس از بیان ضرورت های وحیانی و عقلانی وحدت و اشاره به پیوند عمیق وحدت در نظام اجتماعی اسلام با وحدت در نظام تکوین و تشریح، به بیان اقدامات پیامبر (ص) و دیگر پیشوایان معصوم مبنی بر ایجاد وحدت و تعمیق آن در جامعه اسلامی پردازد.

کلید واژگان:

قرآن، وحدت، اتحاد، همگرایی، زشتی پراکندگی، وحدت در نظام تکوین، تشریح و اجتماع.

مقدمه

وحدت و همگرایی در جامعه توحیدی، پیش از آنکه دستوری و حیانی باشد، امری عقلانی است و پیش از آنکه مطلوبی دینی باشد، ضرورتی عینی است؛ چرا که وحدت در نظام اجتماعی اسلام تداوم حاکمیت وحدت در نظام تکوین و تشریح است و نه تنها وحدت ریشه در عقاید و در شریعت اسلام دارد که حیات امت اسلامی و تاریخ این امت بر آن استوار است.

وحدت و همگرایی هدفی عالی و آرمانی است که اگر به خوبی تبیین شود و در جامعه اسلامی تحقق یابد گذشته عزتمندان اسلام و مسلمانان و تاریخ درخشان فتح خندق و خیبر را تداعی می کند و خاطرات شیرین فرو ریختن کاخهای شام و مدائن و تسلیم ذلت بار روم و ایران بزرگ در برابر فرهنگ عزتمند اسلام را به یاد می آورد؛ اما باید دانست که تحقق این هدف، نه با اعجاز که با تدبیری آگاهانه، تصمیمی دلسوزانه و تلاش مسئولانه تمامی عالمان و حاکمان و نیز با همکاری عموم مردم، امکان پذیر است؛ از این رو لازم است برای رسیدن به این هدف عالی، کاری عمیق و تلاشی دوباره صورت گیرد، و برای تحقق آن در جامعه، راهکارهایی وحدت آفرین ارائه گردد؛ چرا که بدون تحقیق در این باره، نه می توان به مبانی و عوامل وحدت آفرین آن پی برد و نه می توان شاهد تحقق و گسترش آن در جامعه شد.

این گفتار که نگاهی گذرا به حاکمیت وحدت در نظام تکوین و تشریح دارد تلاشی در این باره است که به هدف آشنایی جامعه با ضرورت و حیانی و عقلانی وحدت، توجه به پیوند عمیق وحدت در نظام اجتماعی اسلام با نظام تکوین و تشریح و نیز زمینه سازی برای تحقق همگرایی و گسترش آن در جامعه، سامان یافته است.

مفهوم شناسی وحدت

بحث از وحدت و همدلی بدون ارزیابی و شناخت درست مفهوم «وحدت» محکوم به جزئی نگری است، از این رو پیش از گفتگو از چگونگی وحدت و دیگر مباحث مربوط به آن، نگاهی گذرا به مفهوم وحدت، امری بایسته است.

وحدت در مباحث فلسفی به این معنا است که دو شی از خصوصیات فردی خود خالی شده و در قالب شیئی واحد تجلی کنند، بدیهی است که بر اثر این به هم پیوستگی، دوگانگی از میان می رود، اما آنگاه که در مسائل اجتماعی، از وحدت و یگانگی سخن به میان می آید، مقصود این نیست که یکی از دو شیئی «الف» و «ب» زایل شود و یا یکی از آن دو به دیگری تبدیل گردد و

نیز منظور این نیست که آن دو از میان رفته و شیعی سومی پدیدار گردد¹ چرا که وحدت به این معنا نه معقول است و نه ممکن بلکه معنای اتحاد این است که چند شیعی در عین کثرتشان مشترک باشند و به لحاظ اشتراکشان نوعی وحدت حاصل کنند؛ چرا که هر جا سخن از اتحاد است هم، جهت کثرت ملحوظ است و هم، جهت وحدت؛ شیعی واحد از آن رو که واحد است اتحادش امری نامعقول و تحصیل حاصل است و اشیاء متعدد نیز از آن رو که متعددند امکان ندارد که متحد باشند زیرا محال است که دو چیز به لحاظ کثرتشان وحدت یابند و به لحاظ آنکه دو چیزند یکی شوند، بلکه اتحاد تنها در جایی متصور است که اشیاء متعدد، وجه اشتراک داشته باشند و به لحاظ همان وجه اشتراک متحد گردند، درست مانند «عام و خاص من وجه» که در عین داشتن وجه افتراق وجه مشترک نیز دارند.

بنابراین طبق آنچه بیان شد، آنگاه که سخن از وحدت جامعه اسلامی به میان می آید تصور ما این نیست که مسلمانان نباید در هیچ امری اختلاف داشته باشند و یا اینکه تمامی مسلمانان تحت حکومتی واحد و قانونی واحد زندگی کنند و با کثرت زبان و تنوع نژادی که دارند، همه پذیرای یک نژاد و یک لهجه باشند و از نژاد و لهجه شان دست بردارند چرا که این وحدت بر خلاف سنت الهی و طبیعت بشر است و هرگز محقق نشده و نخواهد شد.

آنچه به نظر درست می آید، اتحاد و همدلی مسلمانان با وجود ایده ها و عقاید مختلف است یعنی تمامی فرق اسلامی با آن که به لحاظ زبانی، نژادی، سرزمینی و عقیدتی متفاوت بوده و هر کدام از مشخصات و ممیزات ویژه ای برخوردارند، به هماهنگی واحد برسند و با حفظ ممیزات خود، حول مشترکات خویش، به اتحاد و اتفاق دست یابند.

به دیگر سخن آنکه منظور از وحدت، وحدت مذهبی نیست تا فرق اسلامی به منظور دست یافتن به وحدت، معتقدات خویش را کنار نهند و در عقاید و اصول مورد پذیرش خویش مصالحه نمایند، همچنان که مقصود این نیست که در هیچ یک از اصول و فروع، اختلاف نظر نداشته باشند و یا نسبت به ممیزات خود بی تفاوت بوده و از آن سخن نگویند. امام خمینی در این باره می گوید:

وحدت اسلامی به این معنی نیست که همه به طور اجبار از یک مذهبی پیروی کنند، بلکه به معنای اتحاد و انسجام برای تحقق آرمان های جهانی و عمیق اسلام و بیرون راندن دشمنان متجاوز و ضد اسلام است.²

¹ نک: مدیریت ویژه نشر آثار مقام معظم رهبری، حدیث ولایت، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ اول، 1375 ش، ج 2، صص 214-207.

² امام خمینی، صحیفه نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ دوم، 1374 ش، ج 19، ص 2.

مقام عظمای ولایت آیت الله خامنه ای نیز نزدیک به همین مضمون می گوید:

آیا مقصود این است که مسلمانان از مذهب خود دست بردارند و به مذهب دیگری اعتقاد پیدا کنند و عمل نمایند؟ نه، مقصود این نیست ... می خواهیم به همه مسلمانان از شیعه و سنی بگوییم و تذکر دهیم که شما یک نقاط مشترک و یک نقاط اختلاف و افتراق دارید ... و آن نقاط اشتراک بیش از نقاط افتراق است.

اما مخالفان اتحاد و همدلی در جوامع اسلامی، در برداشتی نادرست و غیر منطقی از وحدت در میان مسلمانان، آنرا به وحدت مذهبی تفسیر می کنند تا با توجیه غیر معقول از مفهوم وحدت، آنرا ناممکن و غیر قابل تحقق جلوه دهند. شهید مطهری در رد این توجیه نادرست می گوید:

مخالفین اتحاد اسلامی، برای اینکه از وحدت اسلامی مفهومی غیر منطقی و غیر عملی بسازند، آنرا به نام وحدت مذهبی توجیه می کنند تا در قدم اول با شکست مواجه گردد، بدیهی است که منظور علمای روشن فکر اسلامی از وحدت اسلامی حصر مذاهب به یک مذهب و یا اخذ مشترکات مذاهب و طرد مفترقات آنها نیست که نه معقول و منطقی است و نه مطلوب و عملی است، منظور این دانشمندان، متشکل شدن مسلمین است در یک صف در برابر دشمنان مشترکشان.¹

بدین سان روشن است که وحدت اسلامی از نوع اقل و اکثر ارتباطی نیست تا با از میان رفتن برخی، همه از میان بروند و گفته شود: «یا همه یا هیچ» بلکه باید گفت: اینجا جای قاعده «المیسور لایسقط الا بالمعسور» است، یعنی هر چند اتحاد کامل و تمام عیار در میان فرق اسلامی امکان پذیر نیست ولی نباید از حداقل ها غفلت کرد.²

اهمیت و ضرورت

وحدت عنصری از عناصر سازنده زندگی اجتماعی بشر بوده و اصلی از اصول طبیعت و جهان آفرینش می باشد؛ از این رو وحدت، مورد خواست آحاد جامعه، گروهها، ملتها، امتهای و نوع بشر است و هرگز نمی توان فردی متعادل یافت که این حقیقت را انکار کند و یا علیه آن سخن بگوید؛ چرا که وحدت از مهمترین ایده ها و آرمان هایی است که جوامع بشری از صدر تا کنون پی گیر آن بوده و آنرا که حقیقتی غیر قابل انکار است می دانند و آنرا به عنوان یک تز و نظریه ارائه داده اند.

¹. مرتضی مطهری، یادنامه علامه امینی، الغدیر و وحدت اسلامی، قم، انتشارات رسالت، چاپ دوم، 1397 ق، ص 234. محمدرضا حکیمی، مشعل اتحاد، تهران، 1360 ش، ص 70.

². نک: مرتضی مطهری، یادنامه علامه امینی، همان، ص 235.

ضرورت عقلانی

وحدت همانند نخ تسیحی می ماند که آحاد جامعه را در کنار هم نگه می دارد و در میان آنان ارتباطی عمیق و استوار برقرار می سازد و جامعه را از هر گونه تفرقه و پراکندگی مصون می دارد. از این رو همان طور که عقلای عالم در انجام امور مهم و کلان، راه وحدت و تفاهم را در پیش گرفته و برای دستیابی به اهداف عالی خود از هیچ کوششی دریغ نمی ورزند، شریعت اسلام نیز که بر مبنای عقلانی استوار است، با توجه به رسالت خطیر مسلمانان، اساس جامعه ایمانی را بر اصلی محکم و استوار بنا نهاده و تمامی مسلمانان را امتی واحد خوانده است تا فارق از وابستگیهای قومی، نژادی و سرزمینی، در برابر معبودی واحد سر فرود آورده و با راهنمایی رهبری واحد، به سوی مقصد واحد حرکت خود را سرعت بخشند، چرا که وحدت و همدلی سدی عظیم است که موجب می شود تا جویبارهای کوچک به هم پیوندند و از آن چرخ بزرگترین نیروگاه های صنعتی به حرکت در آید، شهرهای زیادی روشن و سرزمین های وسیعی را زیر پوشش آبیاری قرار گیرند. این وحدت است که عاملی مهم و حرکت آفرین برای تحول و انقلابها بوده، ناممکن ها را ممکن و دشواری ها را آسان می کند و جوامع بشری را در گذر پیش رفت به سوی تعالی و بالندگی از گردنه های سخت گذر عبور می دهد.

ضرورت وحیانی

هر چند در دو قرن اخیر، اصطلاح «اتحاد اسلام» که می شود گفت، ترجمه «پان اسلامیسیم» است، بر مصطلحات اجتماعی و سیاسی، روزافزون گشته و در آثار غربی و شرقی تجلی خاص یافته است،¹ اما در حقیقت، این مفهوم، مسبوق به سابقه ای طولانی است و شالوده اصلی آن در زمان نزول قرآن و حیات پیامبر اکرم (ص)، ریخته شده است؛ چرا که قرآن سنگ بنای اصلی این اتحاد را در دستور مؤکد «انما المومنون اخوه»² قرار داده است و اخوت ایمانی را نخستین و مهم ترین نهاد جامعه کلان اسلامی معرفی کرده است و در یک دستور عمومی، آحاد جامعه ایمانی را موظف کرده است تا دلهای خویش را به یکدیگر نزدیک سازند و همه به یک ریسمان، آن هم ریسمان الهی چنگ زنند و هرگز از یکدیگر جدا نگردند.³

¹ . نک: سید محمد محیط طباطبایی سید جمال اسدآبادی و بیداری مشرق زمین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، 1370 ش، ص 165.

² . حجرات (49)، آیه 10.

³ . نک: آل عمران (3)، آیه 103.

قرآن کریم به موضوع وحدت و همدلی که امری حیاتی و استراتژی است، نگاهی دو سویه دارد؛ هم از همگرایی در جامعه اسلامی ستایش کرده است و برای تحکیم آن، راهکار کارآمد و دستورات عمل‌هایی سازنده ارائه داده است و هم از واگرایی و وحدت‌گریزی نکوهش نموده است و برای پیش‌گیری از تفرقه و چندگرایی، هشدارهایی روشن‌گر یادآور شده است. اکنون برای آشنایی به نظر گاه قرآن در این باره، برخی نکات را که در تحکیم وحدت، نقشی بسزا دارد به تفکیک در دو بخش یاد خواهیم کرد.

الف: ارزش وحدت در قرآن

قرآن کریم با تعبیری مختلف از وحدت و همگرایی ستایش نموده است که تنها به چند مورد بسنده می‌شود:

1- همگرایی نعمتی الهی

همگرایی نعمتی الهی است که قرآن کریم بر این حقیقت صحه گذاشته، می‌فرماید:

و اعتصموا بحبل اللّٰه جمیعا و لا تفرقوا و اذکروا نعمه اللّٰه علیکم إذ کنتم أعداء فألف بین قلوبکم فأصبحتم بنعمته إخوانا و کنتم علی شفا حفرة من النار فأنقذکم منها؛ « همه به ریسمان خدا چنگ زیند و پراکنده نشوید، و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آن گاه که با هم دشمن بودید و او میان دل‌های شما الفت انداخت تا به لطف او برادر یکدیگر شدید؛ و بر پرتگاهی از آتش بودید و او شما را از آن رهانید».¹

این آیه از جهاتی بر بایستگی وحدت و همدلی در جامعه اسلامی دلالت می‌کند، نخست آن که خداوند بزرگ در این آیه، به وحدت و همدلی و پرهیز از هر گونه تفرقه و پراکندگی فرمان داده است، بدیهی است که امتثال فرمان خدا امری واجب و بایسته است. و دیگر آن که وحدت و رهایی از آتش تفرقه و دشمنی، هم نعمتی بزرگ از نعمتهای الهی به شمار آمده است، و هم به عنوان آیتی از آیات خدا محسوب گشته است.

2- وحدت، فلسفه تشریح دین

دین چشمه ای حیات آفرین است که از منبع حیات نشأت می‌گیرد و برای هدایت بشر و دیگر نیازمندیهای معنوی او، در جوامع بشری به جریان می‌افتد، از جمله این نیازمندیها برخورداران انسان از وحدت و همدلی در زندگی اجتماعی است، دلیل بر این مطلب آیه زیر است که قرآن کریم در بیانی روشن، حفظ وحدت و پیش‌گیری از هر گونه تفرقه و پراکندگی را فلسفه تشریح دین معرفی کرده می‌فرماید:

¹ . آل عمران (3)، آیه 103.

كان الناس أمة واحدة فبعث الله النبيين مبشرين و منذرين و أنزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه؛ «مردم امتی یگانه بودند، سپس خداوند پیامبران را مژده رسان و بیم دهنده برانگیخت و به همراه آنان، کتاب را به حق نازل کرد تا میان مردم در آنچه که اختلاف داشتند داوری کنند».¹

همان طور که روشن است، دلالت این آیه بر اهمیت وحدت در جامعه بشری از این جهت است که قرآن کریم نزول کتابهای آسمانی و بعثت پیامبران را برای فرو نشانیدن اختلافات و برقراری وحدت در جامعه معرفی کرده است.

نکته ای که در اینجا شایسته یادآوری است، کاربرد واژه «امت» در این آیه است. امت از ماده «ام- یؤم» بوده و در لغت به معنای قصد است² و در اصطلاح به معنای یک واحد بزرگ انسانی است که عامل پیوند آن، دین واحد و فرهنگ مشترک است؛ و زمانی این واژه بر گروهی از انسان اطلاق می گردد که هم دارای مقصد و هدفی واحد باشند چرا که در واژه «امت»، مفهوم حرکت به سوی یک هدف و یک جهت نهفته است،³ و هم از رهبری واحد، برخوردار باشند، زیرا زمانی این حرکت به سوی هدف واحد سامان می یابد که با رهبری رهبر واحد صورت پذیرد. بنابراین، منظور از امت در آیه یاد شده، جامعه کلان اسلامی است که از رهبری رهبر واحد برخوردار بوده و در حرکتی همسو به سوی هدفی واحد در حرکت است.

3- وحدت گرایی محبوب خدا

یکی از عواملی که موجب می شود تا خدا آدمیان را دوست بدارد، همدلی و وحدت گرایی است؛ چنان که قرآن در این باره فرمود: ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفا كأنهم بنیان مرصوص؛ «خداوند کسانی را که در صفی هم چون بنایی آهنین قرار دارند و در راه خدا پیکار می کنند دوست دارد».⁴

همان طور که ملاحظه می شود، این آیه از یک واقعیت شیرین که خداوند بزرگ، جهادگران را دوست دارد، خبر داده است، اما باید توجه داشت که این دوستی، تنها به خاطر حضور فیزیکی در معرکه قتال نیست، بلکه این دوستی از آن جهت است که جهادگران در صفی واحد و فشرده مانند سدی محکم قرار گیرند و هر گونه هجمه زیانبار دشمن را دفع کنند؛ چرا که

¹ . بقره (2)، آیه 213.

² . نک: ابن منظور الافریقی، لسان العرب، قم، ادب الحوزه، 1363 ش، ج 12، ص 22؛ طریحی، مجمع البیان، ج 1، ص 108؛ راغب؛ مفردات، ص 23.

³ . نک: سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج 2، صص 123 - 124.

⁴ . صف (61)، آیه 213.

در یک بنایی استوار، هر چند هر جزئی نقشی دارد ولی ناگفته روشن است این نقش در صورتی مؤثر واقع می شود که تمام اجزای آن به هم بیبوندند و چنان متحد گردند که هیچ شکافی و راه نفوذی در میان آنان نباشد. تعبیر «بنیان مرصوص» در آیه یاد شده، جالب ترین و گویاترین تعبیری است که در این باره به کار رفته است.

بنابراین آنچه پیروزی را به ارمغان می آورد، صفوف در هم فشرده مجاهدان است که در این صورت، نه تنها در معرکه های نظامی که در عرصه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیز پیروز خواهند شد.¹

4- سازش با گوساله پرستی به پاس وحدت

قرآن کریم به جریانی تاریخی که میان حضرت موسی، برادرش هارون و قوم بنی اسرائیل رخ داده است اشاره دارد. و آن جریان این بود که قوم بنی اسرائیل از غیبت حضرت موسی سوء استفاده کرده و در نبود آن حضرت مجسمه ای از طلا که از فرعونیان به غنیمت گرفته بودند ساختند و به پرستش آن پرداختند.

آن گاه که آن حضرت به میان قومش برگشت و متوجه انحراف آنان شد، برادرش هارون را توبیخ کرد و فرمود: چرا کوتاهی کردی و گذاشتی تا برخی به چنین انحرافی کشیده شوند؟، او در جواب فرمود: هر چند گوساله پرستی امری زشت است ولی تفرقه و پراکندگی زشت تر است، ترسیدم اگر آنان را از این کار باز دارم مرتکب چندگرایی و چند دستگی شوند که کمتر از گوساله پرستی نیست: **إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتُ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ لَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي**؛ «از آن ترسیدم که بر من خورده بگیری و بگویی میان بنی اسرائیل تفرقه افکندی و توصیه مرا مراقبت نکردی».²

از این که جانب هارون، دلیل عدم ممانعت از گوساله پرستی را حفظ وحدت و پیش گیری از احتمال بروز اختلاف در میان بنی اسرائیل دانسته است، میزان ارزش وحدت و زشتی تفرقه و چندگرایی روشن می گردد.

ب: زشتی پراکندگی در قرآن

قرآن کریم افزون بر آنکه با تعبیری زیبا، ارزش وحدت و همدلی را گوشزد کرده است، زشتی پراکندگی را نیز از نظر دور نداشته و با تعبیری گویا، برخی از زشتیهای آنرا بیان داشته است که در این مجال، برخی از این موارد را یاد خواهیم کرد.

¹ . برای اطلاع بیشتر نک: بقره (2)، آیات 208، آل عمران (3)، آیه 64 و 104، نساء (4)، آیه 88، انعام (6)، آیه 153، انفال (8)، آیه 63، توبه (9)، آیه 36، شوری (42)، آیه 13.

² . طه (20)، آیه 94.

1- چندگرایی، انحرافی از راه فطرت

آموزه های اسلامی حاکی از آن است که انسانها، از آغاز شکل گیری جامعه، همدل و همگرا بودند و به صورت امتی واحد می زیستند اما دیری نپایید که بر اثر افکار انحرافی و گرایشهای شیطانی، وحدت جامعه دست خوش دگرگونی شد و مردم که همه همدل بودند، گرفتار تفرقه و چندگرایی شدند. این آیه گزارشی از این انحراف است که فرمود:

و ما كان الناس إلا امّة واحدة فاختلّفوا و لو لا كلمة سبقت من ربك لقضى بينهم فيما فيه يختلفون؛ «در آغاز همه مردم امتی واحد بودند، سپس اختلاف کردند، اگر فرمانی از طرف خدا دلیل بر عدم مجازات سریع آنان نبود، در آنچه اختلاف داشتند داوری می کردیم».¹

همان طور که روشن است این آیه در بیان زشتی تفرقه، مجازات وحدت شکنان را امری ضروری می داند اما به دلیل اینکه اراده خداوند بر این تعلق گرفته است تا انسان در انتخاب راه درست آزاد باشد، مجازات آنان را به جهانی دیگر وانهاده است؛ چرا که اگر منحرفان وحدت شکن بی درنگ مجازات شوند، ایمان و وحدت پذیری انسان جنبه اجباری پیدا کرده و از روی ترس و وحشت تلقی می گردد و پیداست که چنین ایمانی نه مایه افتخار و نه دلیل بر تکامل آدمی است.

2- پراکندگی عذابی الهی

قرآن کریم در این باره که پراکندگی، یک نوع عذاب الهی است، آنرا در کنار برخی دیگر از عذابهای الهی قرار داده، می فرماید:

قل هو القادر علی أن یبعث علیکم عذاباً من فوقکم أو من تحت ارجلکم أو یلبسکم شیعاً و یدیق بعضکم بأس بعض؛ «بگو او قادر است تا عذابی از سمت بالا یا از زیر پایتان بر شما فرو فرستد و یا شما را به صورت دسته های پراکنده به هم بیامیزد و طعم جنگ را به هر یک از شما به وسیله دیگری بچشاند».²

همان طور که ملاحظه می شود خداوند عالمیان به پیامبرش دستور داده است تا مجرمان و گردن کشان را به سه نوع مجازات تهدید کند؛ نخست به عذاب هایی مانند صاعقه، صیحه آسمانی و رگبارهای زیانبار که از بالای سر می آید. دوم به عذابهایی مانند زلزله، فرورفتن در زمین، طغیان رودخانه ها و سونامی دریاها که به تعبیر قرآن از پایین پا نشأت می گیرد. و سوم که محل استشهاد ما در این آیه است، به اختلاف کلمه و بروز جنگ و خون ریزی در میان مردم تهدید کن.

¹. یونس (10)، آیه 19.

². انعام (6)، آیه 65.

فراز «او یلبسکم شیعا و یذیق بعضکم بعضا» حاکی از آن است که اختلاف کلمه و پراکندگی در میان جمعیت، به قدری خطرناک است که در ردیف عذابهای آسمانی و زمینی قرار گرفته است و حتی گاه آثار زیانبار ناشی از اختلاف و پراکندگی، به مراتب از ویرانی های ناشی از صاعقه ها و زلزله ها مخرب تر است؛ چرا که گروه گروه شدن زمینه درگیری و خونریزی را فراهم می آورد.

3) تفرقه نغمه ای شیطانی

تفرقه و پراکندگی پدیده ای زیانبار است که با پیروی از شیطان رخ نموده و جامعه را به تباهی می کشاند، از این رو خداوند بزرگ، اهل ایمان را از پیروی شیطان برحذر داشته می گوید:

يا ايها الذين آمنوا ادخلوا في السلم كافة و لا تتبعوا خطوات الشيطان لكم عدو مبين؛

«ای کسانی که ایمان آورده اید همگی به صلح و آرامش درآید و گامهای شیطان را پیروی نکنید که برای شما دشمنی آشکار است»¹.

همان طور که روشن است این آیه، هم ایمان را عاملی سود بخش برای صلح و آرامش می داند «یا ایها الذین آمنوا فی السلم کاف». و هم پیروی از شیطان را بستری مناسب برای تفرقه و پراکندگی معرفی کرده است «ولا تتبعوا خطوات الشيطان». بنابراین، تفرقه و چندگانگی در جامعه اسلامی نغمه ای شیطانی است که با پیروی از شیطان، بلند می شود و با پیروی از این دشمن آشکار، وحدت و صلح جامعه تهدید می گردد.

4- تبری پیامبر از گروه گرایی

گروه گرایی امری ناپسند است که خداوند بزرگ، پیامبرش را از آن مبری دانسته می فرماید: إن الذین فرقوا دینهم و كانوا شیعاً لست منهم فی شیءٍ إنما أمرهم إلی الله ثم ینبئهم بما كانوا یفعلون؛ «تو را با کسانی که دینشان را پاره پاره کرده و گروه گروه شدند کاری نیست، کار آنان تنها با خداوند است و اوست که آنان را از آنچه می کردند آگاه می سازد»².

خداوند عالمیان در این آیه، با تأکید بر این واقعیت که اسلام آیین وحدت و یگانگی است و از هر گونه تفرقه و پراکندگی بیزار است، نخست اعلام می دارد که پیامبرش از هر گونه فرقه گرایی بیزار و دامن مطهرش از هر گونه شائبه تحزب گرایی پاک است، و سپس گروه گرایان را تهدید کرده می فرماید: کار آنها با خداست و او است که با مجازات، آنان را از کار ناپسندشان آگاه خواهد ساخت.

¹. بقره (2)، آیه 208.

². انعام (6)، آیه 159.

5- ضرورت دوری از فرقه گرایان

تفرقه و پراکندگی پدیده ای زیانبار است که طبق صریح قرآن، از شرک نشأت می گیرد، چرا که معبودهای متنوع روش های متفاوتی می طلبد، از این رو خداوند بزرگ برای پیشگیری از پراکندگی و جدایی صفوف اهل ایمان، آنان را از تمایل به مشرکان برحذر داشته، می فرماید: و لا تکنونوا من المشرکین، من الذین فرقوا دینهم و کانوا شیعا لک حزب بما لدیهم فرحون؛ «از مشرکان نباشید، از کسانی که دینشان را پراکنده ساختند و به گروه ها تقسیم شدند و هر گروهی به آنچه نزد آنهاست خوشحالند».¹

با استفاده از این آیه شریفه می توان گفت: نه تنها شرک به پراکندگی می انجامد که از این طرف نیز می توان نتیجه گرفت و ابراز داشت: هر کجا اختلاف و پراکندگی باشد ریشه در شرک دارد، زیرا این شرک است که جمع را می پراکند و دوستی را به دشمنی مبدل می سازد.

6) وحدت شکنی، بغی و ستمگری

وحدت شکنی در نگاه قرآن به حدی زشت است که از آن به بغی و ستمگری تعبیر کرده است چنان چه فرمود: و ما اختلف فیه إلا الذین أوتوه من بعد ما جاءتهم البینات بغیا بینهم؛ «و جز کسانی که به آنان کتابی داده شده بود، در آن اختلاف نکردند، (آن هم) پس از آنکه دلایل روشن برای آنان آمد، این به دلیل وجود بغی و ستمگری در میان آنان بود».²

پیوند عمیق وحدت در نظام تکوین و تشریح

مبنای مکتب توحیدی اسلام دعوت به یگانه پرستی و توحید ذاتی است و با این دعوت، هر گونه دو گانه پرستی را مانند: ثنویت مجوس، تثلیث نصاری و تعدد معبود بت پرستان را³ مردود دانسته است، زیرا در این مکتب، ذره ذره عالم آفرینش در حاکمیت آفریدگار واحد است و تنها با اراده و مشیت حکیمانه حضرت او است که هر چه در عالم تکوین ایجاد می گردد، با نظامی واحد و هماهنگ، به یک سو و یک نقطه راهنمایی و تکامل می یابد. و این حاکی از آن است که عالم آفرینش، ماهیت از اوایی «انا لله» و به سوی اوایی «إنا إلیه راجعون» دارد.

هر چند برخی اسباب مانند فریختگان در عالم تکوین تأثیر دارند اما دقت در آیات قرآن و دیگر آموزه های اسلامی، این مسئله را روشن می کند که سببیت هر اسبابی در دنیای آفرینش، به

¹ روم (30)، آیه 31 و 32.

² بقره (2)، آیه 213.

³ یوسف (12)، آیه 39.

اراده و مشیت یگانه معمار هستی منتهی می شود و تأثیر هر اسبابی در عالم سببی و مسببی، به منزله قلم در دست نویسنده و قیچی در دست خیاط است.

دلیل بر این مطلب که ذره ذره عالم تکوین در حاکمیت واحدی قرار داشته و همه چیز از او نشأت می گیرد، آن دست آیاتی است که مجموع ذرات و اجرام عالم هستی را مجموعه ای واحد می داند که زیر نظر صانعی واحد نظم یافته و به عالم وجود راه یافته است: **لو کان فیهما آلہتان لفسدتا؛¹ ربنا الذی أعطی کل شیء خلقه؛² ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت؛³**

لازم به یادآوری است که عقیده به توحید ذاتی، عقیده به توحید صفاتی نیز هست زیرا در جهان بینی توحیدی این امر مسلم است که صفات خدا از ذات اقدس او جدا نیست بلکه صفاتش عین ذات اقدس اوست. سخن پیشوای یگانه پرستان، دلیلی روشن بر این مطلب است که فرمود: اساس دین شناخت خداست و شناخت کامل او تصدیق او است و تصدیق کامل او یگانه دانستن او است و کمال توحید او خالص نمودن عمل برای او است و کمال اخلاص نفی هر گونه صفت از او است زیرا که هر صفتی گواهی می دهد که صفات غیر از موصوف است و هر موصوفی شهادت می دهد که موصوف غیر از صفت است.⁴

وحدت در نظام تکوین

مبنای عالم آفرینش بر اتحاد و یگانگی استوار است چرا که توحید و یگانگی معمار هستی اراده و مشیت واحد در پی دارد، بدیهی است که وحدت اراده و برقراری حاکمیت واحد در عالم تکوین، به نظم و پیوستگی اجزاء آن می انجامد، استواری نظام آفرینش و نظم حاکم بر آن دلیل روشن بر این واقعیت است.

نمونه وحدت و هماهنگی در عالم آفرینش وجود «اتم» است، حاکمیت وحدت در عالم آفرینش موجب شد تا با به هم پیوستن اتم ها، اشیاء شکل گرفته و موجودات یکی پس از دیگری پدید آیند.

وحدت در امر دین

مکتب توحیدی اسلام، آن سان که آدمیان را به توحید ذاتی فرا خوانده و عالم تکوین را در حاکمیت یگانه معمار هستی دانسته است، بر وحدت دین در طول عمر بشر نیز تأکید دارد چرا که دین الهی در اصل ماهیت خود یکی است و هرگز تعدد را بر نمی تابد، آنچه متعدد است شرایع

¹ . انبیاء (21)، آیه 22.

² . طه (20)، آیه 50.

³ . ملک (67)، آیه 3.

⁴ . نهج البلاغه، شرح و ترجمه فیض الاسلام، خطبه اول، ص 23.

است که بر حسب نیاز بشر و به اقتضای زمان تشریح گشته است. آیاتی مانند: «ان الدین عند الله الاسلام»¹، «من یتغ غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه»² ناظر بر وحدت دین است، از این رو آن گاه که در قرآن سخن از دین به میان می آید، هر نوع تفرقه و دوئیت ممنوع می باشد: ان اقیموا الدین ولا تفرقوا فیه³ و اما آن گاه که سخن از شرایع به میان می آید آنرا امری تعدد پذیر معرفی کرده می فرماید:

لکل جعلنا منکم شرعه و منهاجا؛ «برای هر یک از شما شرع و راهی قرار دادیم»⁴ چنان که در جای دیگر فرمود: **ثم جعلناک علی شریعه من الامر فاتبعها؛** «ترا بر شریعتی از این امر قرار دادیم پس آن را پیرویش کن»⁵.

قرآن کریم در تأکید بر این مطلب که دین امری واحد بوده و تمامی پیامبران آن را از منبعی واحد دریافت می کردند و همه موظف به تبلیغ آن بودند، به پیامبر اکرم دستور داده است تا در پاسخ به پندار نادرست یهود و نصارا که آیین خود را جدا از دیگر آیین ها دانسته و تنها آن را حق معرفی می کردند، چنین بگوید:

بگو از آیین خالص ابراهیم پیروی می کنم و او هرگز از مشرکان نبود، بگو ما به خدا و به آنچه بر ما و آنچه بر ابراهیم، اسحاق، یعقوب و اسباط نازل شده و به آنچه به موسی و عیسی دادند و به آنچه انبیاء از ناحیه پروردگارشان دریافت کردند ایمان آورده ایم و میان هیچ یک از پیامبران فرق نمی گذاریم و در برابر او سر تسلیم فرود می آوریم.⁶

قرآن در جای دیگر در تصریح به این مطلب فرمود:

آیینی را که برای شما تشریح کرد همان است که به نوح توصیه نموده است، آن چه را بر تو وحی فرستادیم و به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم این است که دین را بر پا دارید و از تفرقه در آن پرهیز کنید.⁷

بدین سان روشن است که دین، قانونی واحد و راهی عمومی برای تمام ملتها در طول تاریخ بشر است، در حالی که شرایع، راه هایی متعدد و متنوع است که به لحاظ اختلاف زمان، مکان، رشد فکری جوامع بشری، کثرت اجتماع، تنوع نیازها و مانند آن، امری اجتناب ناپذیر است،

1. آل عمران (3)، آیه 19.

2. آل عمران (3)، آیه 15.

3. شوری (42)، آیه 13.

4. مائده (5)، آیه 48.

5. جاثیه (45)، آیه 18.

6. بقره (2)، آیه 136.

7. شوری (42)، آیه 13.

زیرا ناگفته روشن است که وحدت شریعت با قانون تکامل تدریجی و سیر مراحل مختلف تربیتی، سازگار نمی باشد و الا خداوند می توانست برای همه ملتها در طول تاریخ، شریعت واحدی تشریح کند و تمام مردم را امتی واحد قرار دهد: **و لو شاء الله لجعلکم امه واحده و لکن لیبلوکم فیما آتاکم؛** اگر خدا می خواست همه شما را امتی واحد قرار می داد (ولی) خدا می خواهد شما را در آنچه به شما بخشیده است بیازماید.¹

تفاوت وحدت دین و تعدد شرایع در اینجا ظاهر می شود که دین، نه تعدد بردار است و نه نسخ پذیر در صورتیکه شریعت کاملتر دیگر شرایع را نسخ کند، در بیان این تفاوت می توان گفت: نسبت شرایع به دین همچون نسبت احکام جزئی اسلام به اصل دین است، یعنی همان طور که ممکن است بر خلاف اصل دین، در متن شریعت اسلام نسخی صورت پذیر، ممکن است شریعتی جدید نیز شریعت پیش از خود را نسخ کند، این در حالی است که اصل دین، هرگز نسخ را بر نمی تابد.²

در تأیید این مطلب که دین الهی امری واحد است و همه خداپرستان از دین واحد برخوردارند، در قرآن به اصولی مشترک برخورد می کنیم که می باید تمامی افراد، آن اصول را بپذیرند و بدان ایمان آورند؛ ایمان به خدا، فرشتگان، پیامبران، کتابهای آسمانی و ایمان به معاد از جمله این اصولند.

جالب این است که قرآن کریم ابتدا تمامی اصول یاد شده را در یک آیه جمع کرده می فرماید: **... ولکن البر من آمن بالله و الیوم الآخر و الملائکه و الکتاب و النبیین** «... بلکه نیک آن کسی است که به خداوند، روز بازپسین، فرشتگان، کتابهای آسمانی و پیامبران، ایمان آورد».³

و سپس در جای دیگر، انکار یکی از همین اصول را مایه گمراهی و خروج از دین الهی دانسته و اعلام می دارد: **و من یکفر بالله و ملائکته و کتبه و رسله و الیوم الآخر فقد ضل ضلالا بعیدا** «و هر کس به خدا، فرشتگان او، کتابهای آسمانی وی، پیامبرانش و به روز واپسین کفر ورزد به یقین سر از گمراهی ژرف درآورده است».⁴

¹ . بقره (2)، آیه 48.

² . نک: سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج 5، صص 348-353.

³ . بقره (2)، آیه 177.

⁴ . نساء (4)، آیه 136.

وحدت در نظام اجتماعی اسلام

وحدت در نظام اجتماعی اسلام با وحدت در نظام تکوین، رابطه ای وثیق و پیوندی عمیق دارد، از این رو قرآن کریم، دعوت به توحید و وحدت در جامعه را در هم آمیخته و در کنار هم آورده می فرماید:

(1) **إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ؛** «به راستی که این امت شما امتی یگانه است و من پروردگار شمایم پس مرا بپرستید».¹

(2) **و إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ؛** «به راستی که این امت شما امتی یگانه است و من پروردگار شمایم پس از من پروا کنید».²

(3) **وَأَنَّ هَذِهِ صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلِ؛** «و این راه راست من است پس آن را در پیش گیرید و دیگر راهها را وانهد».³

دستورات اجتماعی در نظام توحیدی اسلام نیز تأیید و تأکیدی بر این واقعیت است که به طور مستقیم و یا غیر مستقیم، وحدت در جامعه را به مسئله توحید در نظام تکوین پیوند می دهد؛ تشریح احکامی مانند جمعه، جماعات، حج و مانند آن از جمله این دستورات است. و حتی در دستوری فردی مانند نماز، فراهای همچون: «ایاک نعبد»، «ایاک نستعین»، «اهدنا الصراط المستقیم»، «السلام علینا» و «علی عباد الله الصالحین» و مانند آن آمده است که فرد را از فردیت و جزئیت بیرون برده و به جمع و کل پیوند می دهد. این به آن معنی است که، در نظام توحیدی اسلام، آن گاه که فرد بخواهد با معبود خویش خلوت کند و به نیایش او بپردازد باید نخست خود را در قالب جمع قرار دهد و سپس از زبان جمع، با او به راز و نیاز بنشیند تا این خواسته مکتب توحیدی اسلام که هرگز وحدت جامعه را از توحید و نظام تکوین، جدا نمی داند تحقق یابد.

وحدت تداوم زندگی اجتماعی

در اینکه انسان موجودی اجتماعی بوده و ناگزیر از زندگی در کنار دیگر آحاد جامعه است بحثی نیست، زیرا این موضوع، مسئله ای معروف است که از دیرباز در میان اندیشمندان، مطرح بوده و هست، تاریخ بشر و حتی آثار باستان نیز تأییدی بر این مطلب است، اما آن گاه که از اجتماعی بودن انسان سخن به میان می آید ناگزیر از طرح دو سؤال اساسی است، نخست آنکه باید

¹ . انبیاء (21)، آیه 92.

² . مومنون (33)، آیه 52.

³ . انعام (6)، آیه 153.

دید آیا انسان اجتماعی آفریده شده است به حدی که گرایش به کل در نهاد او قرار دارد یا خیر؟ و دیگر آنکه باید دید اگر انسان موجودی اجتماعی است آیا ترکیب اجتماع ترکیبی حقیقی و یا ترکیبی غیر از این است؟

قرآن کریم، هم انسان را موجودی اجتماعی می داند که به حسب خلقت و فطرت، گرایش به اجتماع در نهاد او قرار گرفته است، و هم اجتماعی بودن او را امری حقیقی معرفی کرده است؛ آیات زیر گواهی بر اجتماعی بودن انسان است¹ که فرمود:

يا أيها الناس إنا خلقناكم من ذكر و أنثى و جعلناكم شعوبا و قبائل لتعارفوا؛ «ای مردم ما شما را از مردی و زنی آفریدیم و شما را گروه گروه و قبیله قبیله قرار دادیم تا یکدیگر را باز شناسید».²

نحن قسمنا بینهم معیشهم فی الحیاه الدنیا و رفعنا بعضهم فوق بعض درجات لیتخذ بعضهم بعضا سخریا؛ «ماییم که در این دنیا توشه زندگیشان را میان آنان تقسیم ساختیم و برخی از آنان را بر برخی دیگر برتری دادیم تا این که برخی برخ دیگر را به استخدام خویش درآورند».³

و هو الذی خلق من الماء بشرا فجعله نسبا و صهرا؛ «و اوست که بشر را از آب آفرید و او را خویشاوند نسبی و سببی قرار داد».⁴

همچنان که آیاتی مانند این آیات، تأییدی بر حقیقی بودن اجتماع است⁵ که فرمود:

تلك أمه قد خلت لها ما كسبت و لكم ما كسبتم و لا تسألون عما كانوا یعملون؛

«آن جماعت، امتی بود که روزگارش سر آمد، دستاورد آنان برای آنان و دستاورد شما برای خودتان است و از آنچه آنان می کردند شما باز خواست نمی شوید».⁶

إن الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم؛ «خداوند حال قومی را تغییر نمی دهد تا آنکه خود حالشان را تغییر دهند».⁷

پس از پاسخ به سؤال های یاد شده، بایسته است یادآور شویم، آن سان که جمع گرایی انسان امری طبیعی و حالتی فطری است، تمایل او به وحدت نیز امری طبیعی است نه حالت تحمیلی و عارضی، زیرا وحدت که به معنای همگرایی است تأکیدی مضاعف بر جمع گرایی

1. نک: مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج 2، صص 116-114 و ج 15، صص 784-775.

2. حجرات (49)، آیه 13.

3. زخرف (44)، آیه 32.

4. فرقان (25)، آیه 54.

5. نک: مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج 15، صص 790-785.

6. بقره (2)، آیه 134.

7. رعد (13)، آیه 11.

است، بنابراین، سیر حرکت اجتماع به سوی وحدت، یک حرکت طبیعی و فطری است که به تدریج، به آن سوی در حرکت است. آن دست از آیات قرآن مانند: «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً»¹، «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ»²، «اطيعوا الله واطيعوا رسوله و لا تنازعوا»³، «اقیموا الدین و لا تفرقوا فیه»⁴ و مانند آن که به وحدت سفارش کرده اند، توصیه به حفظ وحدت است نه ایجاد وحدت.

علامه طباطبایی در این باره که وحدت، فطری انسان بوده و جوامع بشری به تدریج رو به وحدت می روند و سر انجام به وحدتی فراگیر که غایت و کمال اجتماع است خواهند رسید. می گوید: چه از نظر طبیعی و چه از نظر قرآنی، جامعه انسانی باید به سوی وحدت کلی برود و می رود و نهایت امر، جامعه یک جامعه وحدانی انسانی است.

و سپس در ترسیم این حرکت که به تدریج به سمت وحدت می رود، آنرا به مانند عناصری مادی تشبیه کرده است که در ابتدا پراکنده اند ولی به تدریج به هم می پیوندند و سر انجام شیئی واحد را شکل می دهند می نویسد:

همین طور که ماده در مراحل اولی خود به سوی تکامل که حرکت می کند ابتدا به صورت عنصر در می آید، بعد عناصر با یکدیگر ترکیب می شوند و به صورت یک مرکب جمادی در می آیند، و بعد مرکبهای جمادی به صورت مرکب نباتی کاملتر در می آیند، بعد به صورت حیوان، بعد به صورت انسان و در نهایت به صورت جامعه انسانی در می آید و این سیر به سوی وحدت است، جامعه های انسانی هم در نهایت امر، به یک وحدت می انجامد.⁵

بنابراین، انسان یک هویت ایده آل واحدی دارد که در عمق فطرتش نهفته است و مکتب اسلام که منادی وحدت در جامعه است، از این حرکت تدریجی بشر خبر داده و همگان را به هم سوی به این حرکت و پیوستن به آن که سرانجامش هویت واحد سفارش نموده است، آیاتی از قرآن مانند آیات زیر، حاکی از تحقق این هویت واحد در فرجام تاریخ بشر است.

قل یا اهل الكتاب تعالوا إلى کلمه سواء بیننا و بینکم ألا نعبد إلا الله و لا نشکر به

شیئا؛ «بگو: ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است، اتفاق کنیم که جز خدا را نپرستیم و هیچ چیزی را شریک او نگردانیم».⁶

¹ . انبیاء (21)، آیه 92.

² . حجرات (49)، آیه 10.

³ . انفال (8)، آیه 46.

⁴ . شوری (42)، آی □ 13.

⁵ . مطهری، مجموعه آثار، ج 15، ص 808.

⁶ . آل عمران (3)، آیه 64.

هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله؛ «اوست که پیامبرش را با هدایت و دین حق، فرستاد تا آن دین را بر هر دینی که هست برتری دهد».¹

و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر أن الأرض یرثها عبادی الصالحون؛ «البته که در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد».²

این آیات در خصوص حرکت طبیعی انسان به سوی وحدت و همگرایی، نکاتی چند دارد که به اختصار می توان گفت:

1. عقیده توحیدی بینشی متعالی است.
2. وحدت و همگرایی قانونی تکوینی است.
3. وحدت در عین کثرت تحقق می یابد.
4. همگرایی انسان همسو با مشیت و اراده الهی است.
5. توحید ربوبی اساس و معیار هر وحدت است.
6. سرانجام در فرجام زندگی اجتماعی بشر، حکومت واحد جهانی شکل می گیرد.
7. نفی شرک و عدم پذیرش غیر خدا جلوه ای از همگرایی است.

تلاش پیشوایان در امر تحقق وحدت

پیشوایان ما با تعابیری زیبا و گویا، ضرورت وحدت و همدلی در جامعه اسلامی را گوشزد کرده اند و با رفتار وحدت آفرینشان، بر این بایستگی صحه گذاشته اند. در اینجا منظور آگاهی از اهمیت وحدت در سیره پیشوایان معصوم، ابتدا نمونه های چند از گفتار و سپس نمونه هایی از رفتارشان را یاد خواهیم کرد.

الف: وحدت در گفتار

در اهمیت وحدت، احادیث فراوانی رسیده است که تنها به چند مورد بسنده می شود.

پیامبر اکرم فرمود: من فارق جماعه المسلمین فقد خلع ربقه الاسلام من عنقه؛ «هر کس از اجتماع مسلمانان فاصله بگیرد قید مسلمانی را از گردنش وا نهاده است».³

و نیز آن حضرت فرمود: لایحلّ لامرء مسلم أن ینهجراً فوق ثلاث لیل؛ «هیچ مسلمانی مجاز نیست بیش از سه روز با برادرش قهر کند».¹

¹ . توبه (9)، آیه 33.

² . انبیاء (21)، آیه 105.

³ . امالی شیخ صدوق، ص 297.

امام علی (ع) نیز در ضرورت همگرایی در جامعه اسلامی فرمود:

همواره با جماعت باش که دست خدا با جماعت است و مبدا از جماعت فاصله بگیرد که فرد بریده از مردم بهره شیطان است چونان گوسفند دور از گله که طعمه گرگ است. بدانید هر کس مردم را به این شعار (فرقه گرایی) دعوت کند او را بکشید هر چند که زیر عمامه من پنهان شده باشد.²

از این روایات چنین استفاده می شود که همگرایی و حفظ اتحاد، ارزش بسیار دارد که پیشوایان ما همگان را به آن دعوت کرده و موظف به رعایت آن نموده اند همان طور که گناه تفرقه افکنی و پراکندگی به قدری بزرگ است که سخت به تفرقه افکنی هشدار داده شده است تا مسلمانان با اظهار تنفر از تفرقه افکنان و پرهیز از هر گونه عملی که به تفرقه می انجامد، تحزب و گروه گرایی را از جامعه خود دور ساخته و برای حفظ وحدت از هیچ کوششی دریغ نوزند. پیامبر اکرم با تفسیری که از مسلمان ارائه داده است، تکلیف همگان را روشن ساخته است که فرمود: **من استقبل قبلتنا و شهد شهادتنا و أحل ذبیحتنا فهو المسلم، له ما لنا و علیه ما علينا؛** «هر کس به قبله ما روی آورد و به شهادت ما شهادت دهد و ذبح ما را حلال بداند او مسلمان بوده و برای او همان است که برای ماست و علیه او همان است که علیه ماست».³

آن حضرت در جای دیگر در این باره که ممکن است در آینده های دور برخی از مسلمانان افراطی، برخی دیگر را مشرک و یا کافر خوانند در رد این افراط گراییها فرمود: **من قال لأخیه یا کافر فقد باء به احدهما، ان کان کما قال و الا رجعت علیه؛** «هر کس برادرش را کافر خواند، کفر یکی از آن دو ثابت می شود، اگر آن طور باشد که او را کافر خوانده است (پس او کافر است) و در غیر این صورت، خود وی کافر است».⁴

این فرازها از سخنان پیامبر (ص)، گویای آن است که آن حضرت با چراغ فروزان نبوت، زمانهای دور را روشن ساخته است تا به این وسیله، از تکفیر و طرد برخی گروه های مسلمان توسط برخی دیگر از گروه های افراطی ممانعت به عمل آید و از پراکندگی در جامعه اسلامی پیش گیری شود.

¹ . علاء الدین علی بن بلبلات فارسی، صحیح بن حبان، نشر الرساله چاپ دوم، 1414 ق، ج 12، ص 485.

² . نهج البلاغه، شرح و ترجمه فیض الاسلام، خطبه 127، ص 392.

³ . ضیاء الدین ابو الرضا فضل الله بن حسن (قطب راوندی)، النوادر، بیروت، دار الحدیث، چاپ اول، 1407 ق، ص 140.

⁴ . ابو عبد الله محمد بن احمد انصاری قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، بیروت، التاريخ العربی، 1405 ق، ج 16، ص 329.

ب: وحدت در رفتار

پیشوایان ما افزون بر اینکه به وحدت توصیه هایی مؤکد و فراوان نمودند، در عمل نیز، اقداماتی عملی و مؤثر صورت دادند که در برقراری وحدت، نقشی بسزا دارد، از این رو یادآوری برخی از عملکردهای آنان در این باره امری شایسته و سودمند است.

اقدامات عملی پیامبر

پیامبر اکرم همواره از آغاز رسالت، در اندیشه ایجاد وحدت در میان تمامی مسلمانان بود، از این رو پیش از هجرت و پس از آن، از هیچ اقدام و کوششی که به وحدت و تحکیم آن در جامعه اسلامی کمک می کرد دریغ نورزید.

(1) اخذ بیعت

بیعت نوعی قرارداد و معاهده میان بیعت کننده و بیعت پذیر است که بر اساس شرایطی خاص و اهدافی مانند همدلی، همراهی و همیاری در عرصه های مختلفی که دو طرف بیعت بر سر آن به توافق می رسند صورت می گیرد، از جمله این اهداف، برقراری وحدت و انسجام لازم در فرایند این معاهده است.

بیعت که در ایجاد وحدت، نقش بسزایی دارد، از نگاه پیامبر اکرم دور نماند، از این رو آن حضرت به منظور وفاداری مسلمان نسبت به وی و جامعه ای که او آنرا بنیاد نهاده است، در چنین نوبت اقدام به اخذ بیعت کرد، بیعت با نمایندگان تازه مسلمان اهل یثرب در سال های دوازدهم¹ و سیزدهم² بعثت² و نیز بیعت رضوان که در جریان صلح حدیبیه به هدف وحدت و انسجام هر چه بیشتر میان یاران پیامبر صورت گرفت، از جمله این بیعت هاست.

(2) انعقاد پیمان

پیمان نیز مانند بیعت، عاملی مؤثر در ایجاد وحدت و حفظ آن در میان گروه هایی هم پیمان است، پیامبر اکرم که به این نقش از پیمان آگاه بود، در طول دوران رسالت خود، پیمان های زیادی را منعقد ساخت، معروف ترین این پیمان ها پیمانی بود که در روزهای نخست ورود به مدینه منعقد ساخت.

در آغاز هجرت، یثرب شاهد سه گروه متمایز انصار، مهاجران و یهودیان بود، پیامبر با شناختی که از این گروه ها داشت از آن می ترسید که میان این گروه ها اختلافی عمیق رخ دهد و وحدت جامعه را که می رفت در مدینه شکل بگیرد با خطری جدی مواجه سازد، از این رو آن

¹ . ابن هشام، السیره النبویه، بی تا و بی جا، ج 2، ص 76.

² . همان، ص 84.

حضرت تلاشی وافر کرد تا در چارچوب سیاسی و نظامی، پیمانی فراگیر در میان تمامی گروه های یاد شده در دو بخش منعقد سازد، بخش نخست، پیمانی داخلی بود که میان اهل ایمان یعنی انصار و مهاجران، صورت داد، و بخش دوم، معاهده ای بود که در حقیقت میان اسلام و گروه هایی از یهودیان مانند: بنی قریظه، بنی نظیر و بنی قینقاع، به انجام رسانید.

جالب این است که خود پیامبر اکرم در آغاز این پیمان، معترض نقش آن در ایجاد وحدت شده است و در بند دوم آن، تمامی هم پیمانان، اعم از انصار و مهاجران و نیز قبایل ساکن در مدینه را یک امت معرفی کرده می فرماید: **انهم امه واحده من دون الناس**، «تمامی آنان در برابر دیگر مردمان یک امت اند».¹

3) تشکیل حکومت

در طول تاریخ بشر، حتی در زمان های که بشر در غارها و جنگلها زندگی می کردند، به تجربه ثابت شده است که برای حفظ وحدت و نظم لازم در جامعه، تشکیل حکومت امری ضروری و حیاتی است، با پشتوانه این قدرت است که می توان با سرکشان وحدت ستیز به ستیز برخاست و آنانی را که تهدیدی جدی علیه وحدت در جامعه به شمار می آیند، از دامن زدن به تفرقه باز داشت.

وجود حکومت برای جلوگیری از هرج و مرج و پیش گیری از هر گونه تشتت و تفرقه، به اندازه ای مهم است که در نگاه امام علی (ع)، حتی حکومت فرمانروایان ستمگر مقدم بر بی نظمی و تفرقه است: **وال ظلوم غشوم خیر من فتنه تدوم**؛ «زمامدار ستم پیشه از فتنه ای که در جامعه رواج داشته باشد بهتر است».²

در ضرورت سازمان دهی دولت در جامعه و نقش آن در ایجاد و حفظ وحدت، همان بس که قرآن کریم، آن گاه که سخن از اهداف نبوت به میان آورده است، حل اختلافات مردم را از جمله اهداف نبوت پیام آوران الهی دانسته می فرماید: **... فبعث الله النبیین مبشرین و منذرین و انزل معهم الكتاب بالحق لیحکم بین الناس فیما اختلفوا فیه**؛ «... پس خداوند پیامبران را نوید آور و بیم دهنده بر انگیخت و با آنان کتاب را به حق فرو فرستاد تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف کردند داوری کنند».³

درست به همین دلیل بود که پیامبر اکرم همواره در اندیشه تشکیل دولت بود تا در سایه

¹ . محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 19، ص 168؛ ابن کثیر، حافظ ابو الفدا اسماعیل الدمشقی، البدایه و النهایه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، 1408 ق.

² . شرح غرر و درر آمدی، ج 2، ص 784 و نیز نک: تهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه 40، ص 125.

³ . بقره (2)، آیه 213.

آن، به اهداف بلند خود و از جمله ایجاد وحدت در جامعه نایل آید، اما به دلیل عدم شرایط لازم پیش از هجرت، آن حضرت موفق به سازماندهی آن نشد، و همین که این فرصت پس از هجرت، در مدینه فراهم آمد بی درنگ اقدام به سازمان دهی دولت و حکومت کرد تا بتواند جامعه نوپای اسلامی را در سایه این دولت گرد آورد و با پشتوانه آن، با متخلفان قانون گریز و مغرضان وحدت ستیز به مقابله برخیزد و نظم و وحدت لازم را که نیاز هر جامعه است بوجود آورد.

3) عقد اخوت

پس از هجرت پیامبر به مدینه، گروه های مختلف با فرهنگ های متنوع، در آنجا گرد آمدند. طبیعی است که این مسئله از چند جهت آستن حوادث بود، نخست آنکه با توجه به اختلافات فرهنگی این گروه ها، ممکن بود اجتماع آنان با مشکلاتی مواجه گردد و دیگر آنکه حاکمیت روحیه تعصبات قبیله ای و منازعات دیرینه جاهلی و نیز ذهنیت آنها از پیشینه افراد و قبایل، هنوز در میان آنان وجود داشت؛ این روحیه ممکن بود به بحران هایی سیاسی و اجتماعی بیانجامد و بی آنکه از سوی دشمن خارجی اقدامی صورت پذیرد، به شکست حکومت نوپای اسلامی منجر شود. از این رو پیامبر اکرم در همان ماه های آغازین پس از هجرت، اقدام به برقراری پیمان اخوت میان مسلمانان کرد و در یک دستور همگانی فرمود: **تَأَخُوا فِي اللَّهِ أَخْوِينَ أَخْوِينَ** «دو به دو در راه خدا برادر شوید».¹

این اقدام پیامبر، آثار و فواید فراوان مانند: محو عصبیت قومی و قبیله ای، ایجاد الفت و دوستی میان مسلمانان، قطع ارتباط انصار با یهودیان ساکن مدینه، حل مشکلات روحی، اقتصادی و اسکان مهاجران، پیش گیری از بروز بحران داخلی، دفع تهدید دشمن و مانند آن در پی داشت² که به طور مستقیم یا غیر مستقیم تمامی آنها به ایجاد وحدت و تحکیم آن در جامعه نوپای مدینه انجامید.

نماز جماعت

از آن رو که نماز جماعت تأثیر زیادی بر ایجاد وحدت و تحکیم آن در میان مسلمانان داشت، پیامبر اکرم در سال های نخست بعثت، تا آنگاه که از سوی قریشیان مورد اذیت و آزار واقع نمی شد، این فرضیه را به صورت جماعت در مسجد الحرام برگزار می کرد اما بعدها که پیامبر به دنبال دریافت آیات «انذر عشیرتک الاقریین»³ و «فاصدع بما تؤمر»⁴ تبلیغ دین را آشکار ساخت،

¹ . ر. ک: ابن هشام حمیری، سیره النبی، ج 2، ص 301؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 38، ص 132.

² . نک: گروه پژوهش حوزه و دانشگاه، پژوهشی در سیره نبوی، تهران، امیر کبیر، چاپ اول، 1382 ش، صص 375-358.

³ . شعراء (26)، آیه 214.

⁴ . حجر (15)، آیه 94.

برگزاری جماعت با اذیت و آزار قریشیان مواجه شد. از آن پس، گاه جماعت را دور از چشم قریشیان در شعاب مکه¹ و گاه در خانه زید بن ارقم برگزار می کرد.

در سالهای یازدهم و دوازدهم بعثت که جمع زیادی از اهالی یثرب به آیین اسلام گرویدند، رسول خدا به «مصعب بن عمیر» مأموریت داد تا برای تبیین اسلام و امامت جماعت به میان مسلمانان در مدینه هجرت کند.

با آنکه پیامبر اکرم می توانست این مأموریت را به یکی از مسلمانان اهل مدینه وا نهد اما از آن رو که مسلمانان آن دیار از قبایل مختلف بودند و ممکن بود به خاطر حساسیتی که نسبت به یکدیگر داشتند، برخی امامت شخص تعیین شده از دیگر قبایل را نپذیرند، آن حضرت فردی بی طرف را از مکه به آنجا فرستاد تا هدف از این اقدام که وحدت و یکپارچگی مسلمانان است تحقق یابد، چنانچه ابن اثیر می گوید: مصعب بن عمیر بر مسلمانان مدینه امامت می کرد، این از آن رو بود که هر یک از اوسیان و خزرجیان از اینکه شخصی از قبیله مقابل بر آنان امامت کند ابا داشتند.² نماز جماعت در مکه پیش از هجرت تشریح شد، و پیامبر همواره در اندیشه فراهم آمدن شرایط مناسب برای برگزاری نماز جمعه بود ولی از آنجا که این شرایط برای آن حضرت فراهم نشد، او در مکه موفق به برگزاری نماز جمعه نگردید ولی پس از هجرت به مدینه، در اولین جمعه اقامه پیامبر در مدینه که امکان برگزاری آن فراهم آمد، آن را با شکوهی خاص برگزار نمود؛³ چرا که نماز جمعه به لحاظ سیاسی و اجتماعی، پس از کنگره عظیم حج، کنگره ای بزرگ است که در هر هفته برگزار می گردد.

لازم به یادآوری است، پیش از هجرت و پیش از آنکه خود پیامبر موفق به اقامه نماز جمعه شود، مصعب بن عمیر که برای اقامه جماعت، به مدینه اعزام شده بود، به دستور آن حضرت اقدام به برگزاری نماز جمعه در مدینه نمود.⁴

¹ . نک: ابن جریر الطبری، تاریخ الامم و الملوک، بیروت، الاعلمی، بی تا، ج 2، ص 61؛ ابن اثیر، اسد الغابه فی معرفه الصحابه، تهران، اسماعیلیان، بی تا، ج 2، ص 291.

² . ابن اثیر، همان، ج 4، ص 369.

³ . نک: ابو علی فضل بن حسن الطبرسی، مجمع البیان، بیروت، دار المعرفه، چاپ اول، 1406 ق، ج 10، ص 286؛ محمد باقر المجلسی، بحار الانوار، ج 19، صص 125-126.

⁴ . نک: سید جعفر مرتضی عامری، الصحیح من سیره النبی الاعظم، بیروت، المرکز الاسلامی، چاپ پنجم، 1427 ق، ج 4، ص 131.

6) بنای مسجد

یکی از نیازهای اساسی جامعه اسلامی وحدت و همدلی مسلمانان به محوریت فرامین حیات بخش الهی است، بدیهی است که این امر بدون داشتن مرکزی واحد که همگان بتوانند در آن شرکت کنند، یا ناموفق و یا ناممکن است، از این رو پیامبر اکرم پس از هجرت، برای رسیدن به این عنصر حیاتی در جامعه نوپای مدینه، اقدام به بنای مسجد کرد، زیرا مسجد سنگری مناسب برای تصمیم گیریها، عقد قراردادها، اخذ بیعت، سازماندهی نیروهای دفاعی، مذاکرات سیاسی و از همه مهمتر وعده گاهی عمومی برای همه مسلمانان است تا در هر قشر و نژادی و در هر سطح و مقامی که باشند، برای ادای فریضه نماز، گرد هم آیند و در سایه ارشاد و راهنمایی های پیامبر رحمت، آگاهی های لازم در عرصه های سیاسی و اجتماعی کسب کنند و با نظم و انضباط خود در قالب صف های به هم فشرده و شانه های به هم چسبیده، وحدت و همدلی خویش را به نمایش گذارند، چنان که آن حضرت در ضرورت به هم فشردگی صف ها در جماعت، فرمود: صف هایتان را منظم کنید و دوش های خود را به هم متصل نمایید تا میان شما فاصله ای نباشد.¹

بی گمان تأکید بر منظم بودن صف های جماعت و توصیه به فشرده ایستادن مومنان به هنگام نماز، تنها به لحاظ رعایت نظم و انضباط در پیشگاه خدا نیست بلکه نمایش نظم و یکپارچگی مسلمانان به دشمنان نیز مورد توجه است.

7) برقراری ارتباط عاطفی

پیامبر اکرم حتی از برقراری ارتباط عاطفی که نسبت به وحدت و همگرایی بی تأثیر نبود غافل نبود، آن حضرت برای برقراری این ارتباط، گاه در گفتگو با افرادی که از تیره خاصی بودند و لهجه مخصوص به خود داشتند، با الفاظ و لهجه آنان سخن می گفت، چنان که در پاسخ به این سؤال که حکم روزه مسافر چیست؟ فرمود: «لیس من امیر امصیام فی امسفر» که به جای استفاده از حرف تعریف «ال» مطابق گویش یمنی ها از حرف «ام» استفاده کرد، این نشان می دهد که پرسش کننده شخصی یمنی بوده است و پیامبر خواست برای پیوند عاطفی با یمنی ها از گویش آنان استفاده کند.²

8) ازدواج های جهت دار

موضوع وحدت در جامعه اسلامی، به حدی مهم بود که حتی ازدواج های پیامبر نیز در راستای ایجاد وحدت و یا تحکیم آن بود، آن حضرت با وصلت با قبایل تازه مسلمان و یا وصلت

¹ . حور عاملی، وسائل الشیعه، ج 5، ص 472.

² . نک: ابن حجر العسقلانی، احمد بن علی، التلخیص الحبیر، بیروت، دار الفکر، ج 6، ص 430.

با افراد سرشناس و مخالف، خواست غبار کینه آنان را که از پیش در دل داشتند بزداید و از این راه، با آنان پیوند خویشاوندی برقرار سازد زیرا ناگفته پیداست که پیوند زناشویی، عواطف را تحریک می کند، دلها را به یکدیگر نزدیک و مهربان می سازد و گامی در ایجاد وحدت با این نوع خویشاوندان به شمار می آید، به ویژه آنکه وصلت های مصلحتی پیامبر پس از شکل گیری جامعه در مدینه بود که بیش از پیش، نیاز به وحدت احساس می شد، ازدواج آن حضرت با میمونه خواهر زن عباس بن عبد المطلب، سوده دختر زمعه¹، جویره دختر حارث که رئیس قبیله مصطلق بود و علیه پیامبر توطئه های فراوان داشت²، رمله دختر ابوسفیان³، نمونه هایی از این وصلت های مصلحتی بود.

رسول خدا پس از هفت سال دوری از زادگاه خود، برای نخستین بار در جریان «عمره القضاء» از این شهر دیدن می کرد، در این سفر که پیامبر برای زیارت خانه خدا به مکه آمده بود، با میمونه خواهر زن بزرگ بنی هاشم که از موقعیت مهم سیاسی برخوردار بود ازدواج کرد و حتی تصمیم گرفت برای آشتی میان قریشیان و مسلمانان، مراسم این وصلت را در مکه برگزار نماید و برای کاهش کینه ها و دشمنی های باقیمانده از جنگ بدر و احد، قریشیان را در این مراسم مهمان کند.

هر چند آنان با برگزاری این مراسم در مکه مخالفت کردند و به آن حضرت مهلت ندادند تا این مراسم را در زادگاه خود برگزار کند⁴ اما بی گمان، این وصلت در کاهش دشمنی ها و عصبیت ها تأثیر مثبت داشت و به تجدید نظر آنان در رفتارشان با اسلام و پیامبر انجامید.

اقدامات عملی امامان

امامان شیعه که از اصل شجره نبوت اند، همچون رسول گرامی اسلام از عمل به موجبات وحدت، لحظه ای فروگذار نکردند.

به رقم وجود نارضایتی امام علی (ع) از دستگاه خلافت، به جای آنکه خود را از جمع مسلمانان کنار بکشد و با توطئه کنندگان همراه گردد، مردم را از تفرقه به اتحاد فرا خواند و به آنان که آمده بودند تا در برابر خلیفه با آن حضرت بیعت کنند فرمود:

¹ . نک: عباس محمود العقاد، راه محمد، ترجمه اسد الله مبشری، تهران، امیر کبیر، چاپ ششم، 1366 ش، ص 137.

² . نک: همان، ص 138.

³ . نک: همان، ص 139.

⁴ . نک: ابن جریر الطبری، تاریخ الامم و الملوک، بیروت، مؤسسة الاعلمی، بی تا، ج 2، ص 310.

ایها الناس شقوا امواج الفتن بسفن النجاه و عرجوا عن طریق المنافره و ضعوا تیجان المفاخره؛ «ای مردم امواج فتنه ها را با کشتیهای نجات در هم شکنید و از مسیر پراکندگی دوری گزینید و تاج برتری جویی را به کنار نهدید».¹

آن گاه که پای اسلام و یگانگی جامعه اسلامی در میان بود، از حق خود دست بر می داشت و حق مسلم خود را فدای مکتب و اتحاد جامعه می کرد، این فراز از سخنان آن امام که در جریان قصه غصه ناک محرومیت از خلافت بیان داشت، دلیلی بر این واقعیت است که فرمود: شما خوب می دانید که من برای خلافت از هر کس دیگری سزاوارترم و در عین حال تا آن گاه که امور مسلمانان، سامان یافته باشد و جز بر من، ستمی بر هیچ کس دیگر نرود، خلافت را به دیگری وامی نهم.²

آن حضرت در جای دیگر در نامه به مالک اشتر فرمود:

پس از انحراف امر خلافت، تا چندی از مداخله در امور دست برداشتم تا آن که مشاهده کردم گروهی از اسلام برگشته و می خواهند با دعوت مردم، آئین محمد را از بن برافکنند. ترسیدم که اگر اسلام و اهلش را یاری ندهم در دین رخنه ای بینم و یا شاهد نابودی آن باشم که برای من آن مصیبت بزرگتر است از دست دادن حکومت بر شما است.³

سلوک امام علی با مخالفینش در حدی نرم و توأم با احترام بود که گاه مورد اعتراض برخی دوستان و اصحاب آن حضرت واقع می شد. نوع برخورد امام علی با عایشه در جریان جنگ جمل که نقش زیادی در راه اندازی این جنگ داشت، نمونه ای از این واقعیت است که سخت مورد اعتراض دوستان آن حضرت واقع شد.

آن حضرت پس از خاتمه جنگ، به نزد وی رفت و بر او که در منزل عبد الله بن خلف در بصره به سر می برد سلام داد و با او، به گفتگو پرداخت و سپس کاروانی از خانم های سرشناس بصره با سرپرستی محمد بن ابی بکر (برادر عایشه) فراهم آورد و ایشان را با عزت و احترام به مدینه اعزام فرمود.⁴

دیگر امامان معصوم نیز برای حفظ وحدت در جامعه اسلامی از هیچ تلاشی فروگذار نکردند، مصاهرت، خلط و آمیزش با مخالفین، شرکت در نماز جمعه و جماعات آنان و دستور به برقراری ارتباط سازنده و شرکت در جماعت آنان از جمله این تلاش ها است؛ چنان که امام کاظم

¹ نهج البلاغه، شرح و ترجمه فیض الاسلام، خطبه 5، ص 57.

² نهج البلاغه، خطبه 73، ص 171.

³ نهج البلاغه، نامه 62، ص 1047.

⁴ عز الدین ابو الحسن علی بن ابی الکریم (ابن اثیر)، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، 1385 ق، ج 3، صص 256-258.

(ع) در این باره فرمود: صلی حسن و حسین (ع) خلف مروان و نحن نصلی معهم؛ «امام حسن و امام حسین (ع) پشت سر مروان نماز گزاردند و ما نیز با آنان نماز می گذاریم».¹

امام صادق (ع) در توصیه به وحدت و همدلی مسلمانان، پیروان خود را به شرکت در نماز مخالفان تشویق می کرد و در این باره تا آنجا پیش رفت که فرمود: **من صلی معهم فی الصف الاول کان کمن صلی خلف رسول الله فی الصف الاول**؛ «هر کس با آنان در صف اول، نماز گذارد مانند آن است که در صف اول پشت سر رسول خدا نماز گزارده باشد».²

تلاش بزرگان شیعه

اگر تاریخ شیعه را ورق بزنیم خواهیم دید که شیعیان به ویژه عالمان دین به پیروی از سنت نبوی و به تأسی از پیشوایان معصومشان در راه کلمه وحدت و همبستگی با برادران اهل سنت، تلاشی فراوان مبذول داشته اند.

امام خمینی که در فرهنگ اسلام پرورش یافته و از دستورات وحدت بخش امامان شیعه بهره ای وافر برده است، برای ایجاد وحدت و تحکیم آن، تلاشهای زیادی کرد، تأکید بر تشکیل جلسات دارالتقریب و اعزام نماینده به آن، اعلام روز جهانی قدس و جلب توجه جهان اسلام به مسأله فلسطین، توصیه به شرکت حجاج شیعه در جمعه و جماعت برادران اهل سنت در مکه و مدینه و نیز توصیه به هم زمانی وقوفین و عید قربان با آنان³، تأیید و تأکید بر برگزاری جشنهای هفته وحدت به مناسبت ولایت رسول گرامی اسلام از 12 تا 17 ماه ربیع الاول، تبیین و توصیه به عوامل وحدت آفرین⁴ و هشدار از دامن زدن به عوامل اختلاف زا⁵ از جمله این تلاشهاست.

امام یک روز پس از پیروزی انقلاب، علی رغم آن همه حوادث و انبوه مشکلاتی که وجود داشت به مسأله وحدت توجه ویژه داشت و در ضرورت حفظ آن فرمود:

ما با مسلمین اهل تسنن یکی هستیم، واحد هستیم که مسلمان و برادر هستیم؛ اگر کسی کلامی بگوید که باعث تفرقه بین ما مسلمانها بشود بدانید که یا جاهل هستند یا از کسانی هستند

¹ . حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 5، ص 383.

² . ابن بابویه قمی، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، جامعه مدرسین، چاپ دوم، 1404 ق، ج 1، ص 382.

³ . نک: در جستجوی راه امام از کلام امام، تهران، امیر کبیر، چاپ اول، 1362 ش، دفتر 15، ص 109، پیام به زائران خانه خدا، 29/58/6.

⁴ . نک: وزارت ارشاد اسلامی، کتاب وحدت، تهران، وزارت ارشاد، چاپ اول، 1362 ش، صص 27-29.

⁵ نک: همان، صص 22-26.

که می خواهند بین مسلمانان اختلاف بی اندازند، قضیه شیعه و سنی اصلاً در کار نیست ما همه با هم برادریم.¹

کتابنامه

1. قرآن کریم و ترجمه های آن.
2. نهج البلاغه، شرح و ترجمه فیض الاسلام، خطبه اول، ص 23.
3. ابن اثیر، عز الدین ابو الحسن علی بن ابی الکریم، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، 1385ق.
4. ابن اثیر، عز الدین ابو الحسن علی بن ابی الکریم اسد الغابه فی معرفه الصحابه، تهران، اسماعیلیان، بی تا.
5. ابن بابویه قمی، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، جامعه مدرسین، چاپ دوم، 1404ق.
6. ابن حجر العسقلانی، احمد بن علی، التلخیص الحبیر، بیروت، دار الفکر.
7. ابن کثیر، حافظ ابو الفدا اسماعیل دمشقی، البدايه و النهايه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، 1408 ق.
8. ابن منظور الافریقی المصری، ابو الفضل جمال الدین محمد، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه، 1405 ق.
9. ابن هشام، السیره النبویه، قم، دار الکتب العربیه، چاپ دوم، 1409 ق.
10. ابن واقد، محمد بن عمر، المغازی للواقدی، دانش اسلامی، 1405 ق.
11. تمیمی آمدی، عبدالواحد، بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، شرح جمال الدین محمد خوانساری، تصحیح و تعلیق سید جلال الدین محدث، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، 1366 ش.
12. حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، دار احیاء العربی، چاپ پنجم، 1403 ق.
13. حکیمی، محمدرضا، مشعل اتحاد، تهران، 1360 ش.
14. حویزی، عبد علی بن جمعه، نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم، 1412 ق.
15. خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ دوم، 1374 ش.
16. دار التقریب، اسلام آیین همبستگی، ترجمه و نگارش عبد الکریم بی آزار شیرازی، تهران، مؤسسه بعثت، 1354 ش.
17. در جستجوی راه امام از کلام امام، تهران، امیر کبیر، چاپ اول، 1362 ش، دفتر 15، 58/6/29

¹. همان، ص 103.

18. راوندی، ضیاء الدین ابو الرضا فضل الله بن حسن (قطب راوندی)، النوادر، بیروت، دار الحدیث، چاپ اول، 1407 ق.
19. شرف الدین، سید عبد الحسین، اجوبه مسائل جار اللف صیدا، العرفان، چاپ دوم، 1373 ق، ص 8.
20. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، جامعه مدرسین.
21. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، دار النعمان، بی تا.
22. طبرسی، ابو علی فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت، دار المعرفه، چاپ اول، 1406 ق.
23. طبری، ابن جریر، تاریخ الامم و الملوک، بیروت، مؤسسه الاعلمی، بی تا.
24. طبری، احمد بن عبد الله، ذخائر العقبی فی مناقب القربی، مکتبه القدسی.
25. طریحی، فخر الدین، مجمع الحرین، تهران، مرتضوی، چاپ دوم، 1362 ش.
26. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، الامالی، قم، دار الثقافه، چاپ اول، 1414 ق.
27. عاملی، سید جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، بیروت، مرکز الاسلامی، چاپ پنجم، 1427 ق.
28. عقاد، عباس محمود، راه محمد، ترجمه اسد الله مبشری، تهران، امیر کبیر، چاپ ششم، 1366 ش.
29. علاء الدین علی بن بلبلات فارسی، صحیح بن حبان، نشر الرساله چاپ دوم، 1414 ق.
30. قرطبی، ابو عبد الله محمد بن احمد انصاری، الجامع لأحكام القرآن، بیروت، تاریخ العربی، 1405 ق.
31. کنگره جهانی ائمه جمعه، قم، الهادی، چاپ اول، بی تا.
32. گروه پژوهش حوزه و دانشگاه، پژوهشی در سیره نبوی، تهران، امیر کبیر، چاپ اول، 1382 ش.
33. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، 1403 ق.
34. محیط طباطبائی، سید محمد، سید جمال اسدآبادی و بیداری مشرق زمین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، 1370 ش.
35. مدیریت ویژه نشر آثار مقام معظم رهبری، حدیث ولایت، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ اول، 1375 ش.
36. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم، انتشارات صدرا.
37. مطهری، مرتضی، یادنامه علامه امینی، الغدیر و وحدت اسلامی، قم، انتشارات رسالت، چاپ دوم، 1397 ق.
38. موثقی، سید احمد، استراتژی وحدت با مقدمه استاد محمد تقی جعفری.
39. وزارت ارشاد اسلامی، کتاب وحدت، تهران، وزارت ارشاد، چاپ اول، 1362 ش.